



## بیانات در دیدار فرماندهان و خلبانان نیروی هوایی ارتش - 19 بهمن / 1389

بسم الله الرحمن الرحيم

خیلی خوشامدید برادران عزیز و فرماندهان خدوم و کوشنده‌ی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و پدافند هوایی. امیدواریم که خداوند متعال به همه‌ی شما این توفیق را، این کمک را بفرماید که شأن والای نیروی هوایی را - که بحمدالله بر اثر تلاشهای فراوان به دست آمده است - و همچنین قرارگاه پدافند را روزبه‌روز بالاتر ببرید. امروز هم جمع عزیز شما در این حسینیه و بیانات خوب فرمانده محترم و سرود پرمغز و زیبایی که جوانان عزیزمان اجرا کردند، برای مجموعه‌ی ما ان‌شاءالله خاطره‌انگیز خواهد بود.

روز نوزدهم بهمن که از یک حرکت شجاعانه‌ی نیروی هوایی در سال 57 آغاز و ماندگار شد، یک روز پرمضمون و پرمعنائی است. آن برادران شجاعی که در آن روز وارد میدان مبارزه شدند و در کنار مردم نقش ایفا کردند، در واقع دو کار مهم انجام دادند: یکی هویت‌سازی ارتش جمهوری اسلامی ایران بود؛ معرفی یک هویت جدید و نوین که مردم تا آن روز با این هویت آشنا نبودند. غالباً مردم در مورد سازمانها و تشکیلات گوناگون، ویتربینها را می‌بینند. ویتربینها آن روز ویتربینهای خوبی نبودند. در درون و در عمق ارتش جمهوری اسلامی، انسانهای مؤمن، انسانهای مستقل و آزاده، بسیار زیاد بودند، که با همان آرمانهای ملت ایران زندگی میکردند، با همان آرمانها تلاش میکردند؛ منتها فرصتهائی لازم بود تا اینها بتوانند خود را نشان بدهند. یک چنین ظرفیت عظیمی در ارتش بود. مردم این ظرفیت را نمیشناختند. حرکت آن روز جوانان نیروی هوایی - که من از نزدیک شاهد آن بودم - یک هویت جدیدی را برای ارتش تعریف کرد؛ این مسئله‌ی مهمی است. بعد هم همین هویت در طول سالهای بعد - چه در طول دوران جنگ هشت ساله و دفاع مقدس، چه بعد از آن، و چه قبل از آن - روزبه‌روز تقویت شد. و میخواهم عرض کنم که حتی سالهای بعد، درخشندگی و نمایانی این هویت بیشتر هم شد.

دومین مطلبی که آن روز به وسیله‌ی این حرکت ثابت شد و به وجود آمد، عبارت بود از جریان‌سازی. خاصیت انسان زنده این است که در محیط خود، در شعاع وجودی خود تأثیر میگذارد و جریان ایجاد میکند؛ حرکت او به جلو، حرکت‌هایی را به جلو به وجود می‌آورد. این کار، آن روز اتفاق افتاد. بدون شك این کاری که در روز نوزدهم بهمن در مدرسه‌ی علوی خیابان ایران در حضور امام انجام گرفت، در حادثه‌ی بیست و دوم بهمن تأثیر داشت. در آن شبهای بیست و یکم و بیست و دوم، من میشنفتم و میدیدم کسانی را که در این خیابانهای منتهی به مقر امام می‌آمدند و فریاد میزدند که مردم را در خانه‌هایشان بیدار کنند؛ میگفتند که جوانان نیروی هوایی - همافران و افسران - در خطرند؛ چون مورد تهاجم قرار گرفته بودند. این خیلی معنا دارد. این حرکت، این جریان عظیم را به وجود آورد؛ تحرك جدیدی و روحیه‌ی تازه‌ای ایجاد کرد.

خب، این یک نمونه است؛ این یک مستوره است؛ مشتی از یک انبار عظیم گندم است؛ گوشه‌ای از جامعه‌ی ماست که نشان‌دهنده‌ی وضعیت عمومی و کلی جامعه است. کشور با این حرکت نجات پیدا کرد. کشور عظیم ایران با این سابقه‌ی فرهنگی، با این همه ظرفیتهای مادی و معنوی، اسیر بود. این یک واقعیت بسیار تلخی است که به خاطر وجود تعارضها و اختلافها و مسائل گوناگون و دخالت دستهای مختلف از اطراف، هنوز هم در تاریخ ما درست باز نشده است. کشور اسیر بود؛ کشور تحقیرشده بود؛ کشور به وسیله‌ی قدرتهای زورگو و سلطه‌جوی عالم، مورد اهانت قرار گرفته بود؛ به دست فراموشی سپرده شده بود. ایران بزرگ، ایران باعظمت، ایران مفتخر به ایمان عمیق اسلامی، در محیط پیرامون خود اثری نداشت؛ چون بختک سنگین میشوم سلطه‌ی بیگانه بر آن سنگینی میکرد. ملت این حجاب را درید و این کابوس را شکست. حرکت ملت در بیست و دوم بهمن و قضایائی که منتهی به بیست و دوی بهمن بود، یک چنین حرکتی بود.



من بارها گفته‌ام، روز جمعه هم تکرار کردم؛ امروز مهمترین مسئله در باب انقلاب ما، وقتی به این سی و دو سال نگاه میکنیم، عبارت است از ثبات و استقامت. یعنی ما سر حرف خودمان ایستاده‌ایم. ایستادن بر سر اصول، برای یک ملت، برای یک مجموعه، افتخار است. اصول، چیزهایی است که باید بر سر آن ایستاد. ارزشها را بایستی نگاهبانی کرد، پاسداری کرد. مهمترین ارزشی هم که برای ملت ما وجود داشت و امروز هم وجود دارد و تا آخر هم همین خواهد بود، عبارت است از اسلام. استقلال در اسلام است، آزادی در اسلام است، پیشرفت مادی در اسلام است، وحدت ملی در اسلام است، شکوفائی استعدادها در اسلام است؛ همه‌ی اینها در اسلام مندمج و مندرج است. علت اینکه امام روی کلمه‌ی «جمهوری اسلامی» تکیه کردند، همین است. تأکید بر جمهوری، به خاطر این است که نکته‌ی مهم، اتکاء به مردم است. اگر اسلام باید در جامعه حاکمیت پیدا کند، بدون ایمان عمومی امکان‌پذیر نیست. پس حضور مردم، رأی مردم، خواست مردم، دخالت مردم، شد یک نقطه‌ی اساسی؛ پس شد جمهوری اسلامی. این را باید حفظ کنیم، این را باید زنده نگه داریم، این پرچم بایستی برافراشته بماند. اگر توانستیم خودمان را به عمق و ژرفای این کلمه‌ی پرمغز - جمهوری اسلامی - هرچه بیشتر نزدیک کنیم، موفقیتها روزبه‌روز افزایش خواهد یافت؛ و این احتیاج دارد به همت بلند، همت مضاعف و کار مضاعف، که خوشبختانه امسال اثر همت مضاعف و کار مضاعف را انسان در دستگاه‌های مختلف کشور مشاهده میکند. اگر این شد، ملت ایران خواهد شد الگو؛ جمهوری اسلامی خواهد شد الگو. لزومی ندارد ملتها بگویند ایران الگوی ماست - گفتن مهم نیست؛ بگویند یا نگویند - مهم این است که این نسیم جانبخش در محیطهای دیگر بوزد، آنها را متوجه کند و به حرکت در بیاورد؛ و این کار شده است. اینکه شما می‌بینید امروز در بعضی از کشورها این حرکات عظیم وجود دارد، اینها که دفعتاً به وجود نمی‌آید؛ در طول زمان، انگیزه‌ها و خواستها و معرفتها متراکم میشود و در یک مقطع مناسب بروز میکند. امروز، روز بروز آنهاست. تراکم این انگیزه‌ها، پی‌درپی آمدن این معرفتها و خواستها، مربوط به سالهای گذشته است؛ و شما ملت ایران و شما مسئولان سازمانهای مسلح، نقش عمده‌ای داشتید. این را بایستی حتماً در نظر داشت. ما امروز در میانه‌ی میدانیم؛ همچنان که در میانه‌ی راهیم. حالا تعبیر نمیکنیم در آغاز راه؛ که شاید به یک معنا، با نگاه به بلندمدت، در آغاز راهیم. بالاخره ما در راهیم. باید راه را ادامه داد. آن کسی که راهی را طی میکند، اما خود را به مقصد نمیرساند و برمیگردد، وسط راه یا متوقف میشود یا راهش را منحرف میکند، او تفاوت زیادی ندارد با آن کسی که از منزل خود بلند نشده و اصلاً به راه نیفتاده. در این نتیجه، هر دو مانند هم هستند که به مقصد نرسیده‌اند و به مطلوب دست نیافته‌اند. بنابراین تداوم حرکت و استمرار حرکت لازم است؛ و این متکی است به همتها، به ایمانها، به تلاشها، به حضور جوانان. امروز خوشبختانه شما جوانها در کارهای گوناگون نیروهای مسلح در رأس قرار دارید؛ کارها دست شماست، متوجه به شماست، نگاه‌ها به سوی شماست. اگر چنانچه جوان متکی به خدا باشد، توکل به خدا کند، اعتماد به نفس داشته باشد، معجزه می‌آفریند. همه‌ی امور زندگی ما و کارهای بزرگی که انجام میگیرد، معجزات الهی است؛ ما عادت کردیم، معجزه بودن آنها را نمیفهمیم. این معجزه‌ها متکی است به نیرو، به همت و شجاعت و کارآمدی افراد. لذا باید کار را دنبال کرد.

نگاه کنیم ببینیم چه چیزهایی مزاحم پیشرفت است. یقیناً یکی از چیزهایی که مزاحم پیشرفت است، بی‌قیدی و بی‌مبالاتی نسبت به ارزشهاست. ارزشها را نباید از نظر دور داشت.

یکی از چیزهایی که قطعاً منافی با پیشرفت است، اختلاف و تفرقه است؛ تفرقه‌ی میان آحاد ملت، تفرقه‌ی میان مسئولین، تفرقه‌ی میان بخشهای گوناگون نظام، تفرقه‌ی میان نظام و مردم. این انسجام و یکپارچگی‌ای که انقلاب به ما داد، باید مثل یک ناموس مقدسی حفظ شود، از آن پاسداری شود. یکی از مهمترین کارهایی که در جنگ نرم دشمن وجود دارد - همیشه وجود داشته، امروز هم وجود دارد - این است که در این اتحاد یک تزلزل ایجاد کنند، شکاف ایجاد کنند. برای این کار تلاش میکنند: بین شیعه و سنی اختلافات مذهبی ایجاد کنند، بین فارس و عرب و



ترك و گرد و دیگران اختلافات قومی ایجاد کنند، اختلافات منطقه‌ای ایجاد کنند، اختلافات سازمانی ایجاد کنند، اختلافات حزبی ایجاد کنند.

با همه‌ی اینها باید با توجه کامل مقابله کرد؛ یعنی همان چیزی که ما به آن می‌گوئیم بصیرت. بدانیم کجائیم. این سنگری را که امروز شما در آن حضور دارید، بشناسیم. فرق است بین آن سربازی که در یک سنگر حساسی قرار گرفته و میداند که سنگر او چقدر حساس است، اهمیت کار خود و جایگاه خود را میداند، و بین آن کسی که در همان سنگر است، اما نمیداند چقدر مهم است؛ خوابش می‌برد، غفلت میکند، سنگر را رها میکند، در داخل سنگر با همسنگری‌اش دعوا میکند. بدانیم جایگاه ملت ایران چقدر حساس است.

امروز خاورمیانه بیدار شده است، دنیای اسلام بیدار شده است. سالهای سلطه‌ی قدرتمندان دور از این منطقه - که به خاطر وجود منابع عظیم این منطقه هجوم آوردند و دوران استعمار و استعمار نو و استعمار بالاتر از نو را تجربه کردند - دارد به پایان میرسد؛ این یک واقعیتی است. یک روزی در منطقه‌ی ما این دو قدرت بزرگی که آن روز بودند - یعنی آمریکا و شوروی سابق - بر همه‌ی امور سیاسی این منطقه مسلط بودند. یک بخشی مربوط به چپ بود، یک بخشی مربوط به راست بود؛ با هم اختلاف و دعوا، بعد هم یک وقتی با هم می‌ساختند - در رأس، قدرتهای پشت سر اینها، آمریکا و شوروی با هم می‌ساختند - یکهو میدیدیم مصر را فروختند! کما اینکه در یک دوره‌ای فروختند. در واقع جنگ بین دو اردوگاه بود. بعد در بالا با هم نشستند پشت پرده مذاکره کردند، ملتها، زمامدارانشان، منافعشان، همه زیر پا له میشد.

امروز اینجوری نیست. امروز ملتهای منطقه افول تدریجی قدرتها را می‌بینند. و در این زمینه، پیشرو، ایران اسلامی است با پشتوانه و عقبه‌ی عظیم فرهنگی و امکاناتی که در این کشور هست؛ آن هم ایران متکی به اسلام، که اسلام آمیخته است با جان و روح و فکر این ملت و این مجموعه. این را بایستی نگه داشت؛ این خیلی باارزش است. هر بخشی هم نقشی دارد. ارتش نقش مختص خود را دارد. در میان ارتش، نیروی هوایی نقش ویژه‌ی خود را دارد. این حدیث را من بارها از قول پیغمبر گفته‌ام که فرمود: «رحم الله امرأ عمل عملاً فأتقنه»؛ رحمت خدا بر آن کسی که کاری را به عهده بگیرد و آن را محکم و قوی و کامل انجام دهد. گزارشی که از نیروی هوایی به من رسید و گزارشها میرسد و امروز هم فرمانده محترم نیرو بخشی از آنها را بیان کردند، گزارشهای خوبی است؛ لیکن میخواهم بگویم به اینها اکتفا نکنید. مسئله‌ی قطعه‌سازی، مسئله‌ی شبیه‌سازی، مسئله‌ی تولید، آموزشهای گوناگون، اینها چیزهای بسیار باارزشی است؛ سازماندهی بسیار باارزش است، چه در بخش نیروی هوایی، چه در بخش پدافند؛ لیکن اکتفا نکنید. ببینید نقصها کجاست. اگر چنانچه ورزشکاری فقط به آن بخشهایی از ماهیچه‌های برآمده‌ی خود نگاه کند که با ورزش توانسته اینها را به دست بیاورد، بخشهای مغفول مانده و ضعیف را نگاه نکند، در یک موقعیت حساس زمین خواهد خورد. ببینید ضعفها کجاست، ببینید اشکالات در کجاست، آنها را برطرف کنید؛ هر کس در بخش خود، در قسمت مربوط به خود. روزبه‌روز تکمیل کنید. و تکمیل شدن نهایت ندارد. هرچه جلو برویم، جا دارد برای جلو رفتن و کاملتر شدن.

به دوستان عزیز فرماندهان نیرو و بقیه‌ی فرماندهان نیروهای مسلح هم من بارها می‌گویم؛ محدودیتها در بخشهای مختلف وجود دارند - تحریم هست، محدودیتهای مالی هست، چیزهای گوناگونی وجود دارد - از اینها باید عبور کنید. بهترین و زیرکترین انسانها کسانی هستند که شرائط موجود را می‌سنجند، بعد می‌بینند برای عمل در شرائط کنونی چه توانائی‌هایی دارند و از آن توانائی‌ها و ظرفیتها استفاده میکنند؛ والا انسان نگاه کند، بگوید خب، این که نشد، این را که نداریم، پس هیچی! این نمیشود. کمبودها نباید ما را متوقف کند. کمبودها بایستی باعث شود که ما بیشتر به خودمان مراجعه کنیم، ظرفیتهای تازه‌ی خودمان را کشف کنیم. مثلاً در دو دهه‌ی پیش، کی در نیروی هوایی حدس میزد که این نیرو بتواند این همه امکانات برای خودش به وجود بیاورد و تولید کند؟ در بخشهای دیگر



هم همین جور. در بخشهای فضائی ما، در بخشهای پزشکی ما، در بخشهای داروئی ما، در بخشهای گوناگون علمی و فنی ما، تا دو سه دهه‌ی پیش کی حدس میزد که میشود این کارها را کرد؟ اما رفتند، جوانان ما همت کردند و شد. کارهایی شده است که امروز دشمنان ما هم زبان به اعتراف می‌کشایند. البته دشمنی میکنند؛ این را وسیله‌ای قرار میدهند برای سیاستهای ایران‌ستیزی و ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی؛ لیکن اعتراف میکنند به اینکه اینها هست.

من میخواهم به شما بگویم؛ شما هم از اینکه کمبودهایی در بخشهایی وجود دارد، مطلقاً پا عقب نکشید؛ بروید سراغ اینکه از ظرفیتهای تازه‌ای استفاده کنید در وجود خودتان، در استعداد خودتان، در ذهن و مغز خودتان، در توان سرپنجه‌های ماهر خودتان، و آن کمبودها را از طرق دیگری جبران کنید؛ این عملی است، این شدنی است. ما در بخشهایی از بخشهای صنعتی کشور مبتلا شدیم به تحریم. تحریم کنندگان خیال کردند حالا که تحریم کردند، این بخشها خواهد خوابید؛ اما بعکس شد. تحریم موجب شد که جوانان ما به فکر بیفتند که خودشان آنچه را که دشمن نمیخواهد به ما برسد، تولید کنند. تولید کردند، در مواردی بهترش را تولید کردند؛ کم‌هزینه‌تر، سبکتر، کارآمدتر. در نیروی اینجوری حرکت کنید. این، شامل فرماندهان محترم، شامل مسئولان محترم بخشهای گوناگون، شامل مجموعه‌ی پرسنل - بخصوص شما و بالخصوص جوانها - همه میشود.

از خدای متعال مسئلت میکنیم به شماها توفیق بدهد. ان شاءالله روح مطهر امام بزرگوار ما - که این حرکت را او آغاز کرد، این راه را او به ما نشان داد - و ارواح مطهر شهدای عزیز که در این راه جان دادند و نیروی هوائی مفتخر است به داشتن شهدای بزرگی در این راه، شاد باشد و از همه‌ی ما و شما راضی باشد و دعای حضرت بقیةالله شامل حال همه‌ی ما باشد.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته